



فصلنامه بین رشته‌ای تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی در چارچوب رسالت‌های کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی و با محوریت مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا منتشر می‌شود.
سال دوم / شماره دو / شماره پیاپی ۵ / تابستان ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا

مدیر مسئول: عطاالله رفیعی آتانی

سرمدیر: محمدعلی متفکر آزاد

مدیر داخلی: امیر سیاهپوش

مدیر اجرایی: روح‌الله داوری

بازبین نهایی: سید مهدی موسوی

ویراستار: مرتضی طباطبایی

صفحه‌آرا و طراح جلد: یوسف بهرخ

اعضای هیئت تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

مصباح‌الهدی باقری (استادیار دانشگاه امام صادق^(ع))، علی رضاییان (استاد دانشگاه شهید بهشتی)، عطاءالله رفیعی آتانی (استادیار دانشگاه علم و صنعت ایران)، سید احمد رهنمایی (دانشیار موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی^(ع))، سید سعید زاهد زاهدانی (دانشیار دانشگاه شیراز)، علیرضا علی‌احمدی (استاد دانشگاه علم و صنعت)، محسن فرمهینی فراهانی (دانشیار دانشگاه شاهد)، غلامرضا گودرزی (دانشیار دانشگاه امام صادق^(ع))، میثم لطیفی (دانشیار دانشگاه امام صادق^(ع))، محمدعلی متفکر آزاد (استاد دانشگاه تبریز)، محمد نعمتی (استادیار دانشگاه امام صادق^(ع))، عبدالحمید نقره‌کار (دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران).

چاپ و صحافی: تهران، چاپخانه میران

نشانی دفتر فصلنامه:

تهران خیابان جمهوری اسلامی خیابان کشور دوست کوچه نوشیروان پلاک ۲۶ طبقه چهارم. کدپستی: ۱۳۱۶۷۳۴۴۵۸

قم - خیابان جمهوری اسلامی - کوچه ۲۴ - فرعی دوم سمت چپ - پلاک ۲۲ کد پستی: ۰۲۵۳۲۹۳۸۵۶۲ / شماره تلفن: ۳۷۱۶۶۹۴۱۹۶

قیمت: ۱۵/۰۰۰ تومان

نشانی اینترنتی: arh.sccsr.ac.ir

پست الکترونیک: arh@sccsr.ac.ir



کنگره بین‌المللی
علوم انسانی اسلامی

- مقالات و مطالب منتشرشده در فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی، لزوماً بیان دیدگاه‌های فصلنامه نیست.
- فصلنامه تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی در تلخیص و ویرایش مقالات آزاد است.
- نقل مطالب و تصاویر با ذکر مأخذ بلامانع است.

فصلنامه

پیت علوم انسا و اسلا
تحقیقا کار بردی نی می

بین رشته ای

| سال دوم | شماره دو | شماره پیاپی ۵ | تابستان ۱۳۹۷ |

بسمه تعالی

فصلنامه بین رشته‌ای تحقیقات کاربردی علوم انسانی اسلامی در حوزه‌های کاربردی علوم انسانی با رویکرد میان رشته‌ای به طور عام و رشته‌های خاص علوم انسانی مبتنی بر مبانی و معارف اسلامی در سطح علمی- پژوهشی منتشر می‌شود. از همه‌ی صاحب‌نظران، اساتید و پژوهشگران دعوت می‌شود که برای تحقق این منظور نتایج تحقیقات خود را در اختیار فصلنامه قرار دهند.

لطفاً به هنگام تنظیم مقالات موارد ذیل رعایت شود:

- فایل word و PDF مقاله به ایمیل فصلنامه ارسال گردد.
- مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی یا خارجی و مجموعه مقالات چاپ شده باشد.
- مقاله ارسالی نباید همزمان برای مجله‌ها یا مجموعه‌های دیگر ارسال شده باشد.
- درج معادل لاتین اسامی و اصطلاحات مهجور، مقابل عبارت و در پراکنش ضروری است.
- مقاله در محیط ۲۰۰۳ word یا بالاتر و با استفاده از قلم (فونت) B Lotus با اندازه ۱۴ ارائه شود.
- حجم چکیده: حداقل ۲۰۰ و حداکثر ۳۵۰ کلمه
- حجم مقاله: حداقل ۱۰ و حداکثر ۳۰ صفحه ۳۰۰ کلمه‌ای.
- رعایت دستور زبان فارسی و شیوه نگارش، مطابق با شیوه‌نامه مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی ضروری است.
- فصل‌بندی مناسب بر اساس ساختار منطقی مقاله الزامی است.
- اهتمام به استفاده از واژه‌های فارسی به جای واژه‌های بیگانه و ترجمه واژه‌های بیگانه در پانویس ضروری است.
- متمایز بودن نقل قول‌ها، با استفاده از تغییر اندازه قلم و تورفتگی متن الزامی است.
- حرکت‌گذاری صحیح آیات و روایات توصیه می‌شود.
- ارجاعات به صورت درون‌متنی آورده شود (نام خانوادگی، سال انتشار: شماره صفحه) مثال: (حسینی، ۱۳۸۹: ص ۲۵) و توضیحات تکمیلی به صورت پی‌نوشت آورده شود. از پانویس برای توضیحات کوتاه و ضروری، ذکر اسامی لاتین و... استفاده شود.
- کتاب‌نامه به صورت زیر آورده شود:
کتاب: (نام خانوادگی، نام یا حرف اول نام. سال انتشار. عنوان کتاب. محل انتشار. نام مؤسسه انتشاراتی. نوبت چاپ) مثال: (مطهری، مرتضی. ۱۳۷۶. انسان کامل. تهران. صدرا. چاپ شانزدهم).
مقاله: در فهرست منابع: (نام خانوادگی، نام و یا حرف اول نام. سال انتشار. «عنوان مقاله»). نام مجله. دوره یا شماره مجله) مثال: (تنهایی، انیس. ۱۳۸۷. «هویت‌جویی ایرانی-اسلامی در نسخه‌های مصور شاهنامه فردوسی دوران ایلخانی تا اواسط صفویه»). دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی. شماره ۹).
منابع اینترنتی: (نام خانوادگی نویسنده، نام و یا حرف اول نام. «عنوان مقاله»). تاریخ دریافت مطلب. آدرس پایگاه الکترونیکی).
- فایل تصاویر با کیفیت بالا ضمیمه‌ی مقاله شود.
- جداول و نمودارها قابلیت ویرایش داشته باشد و به صورت عکس ارسال نشود.

فهرست مطالب

- ۷ شاخصه‌سازی کیفیت مسکن ارزان‌قیمت با نگرش اسلامی
مهدی حمزه‌نژاد، پریسا محمدصادقی
- ۳۷ طراحی مدل ارزیابی عملکرد مدیران بر مبنای شایستگی
(با محوریت نامه‌ها و خطبه‌های نهج البلاغه)
یحیی میار، حسین‌علی رضوانی
- ۷۳ تحلیل رابطه میان نظر و عمل براساس مبانی حکمت صدرایی
با نگاهی به عوامل گسست نظر و عمل
حسن عبدی
- ۹۵ نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی
محسن فرمهینی فراهانی
- ۱۱۵ مرور ادبیات مطالعات سبک زندگی در آثار برخی متفکران مسلمان
سیدمحمدتقی موسوی‌فر
- ۱۴۳ درآمدی بر وظایف روابط عمومی از منظر قرآن کریم
روح‌الله داوری، عباس مصلاهی‌پور یزدی

نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی

محسن فرمهینی فراهانی

دانشیار دانشگاه شاهد، ایران، تهران.

farmahinifar@yahoo.com

چکیده

سواد فرهنگی ریشه در میراث فرهنگی و اجتماعی دارد و دارای حیطه گسترده‌ای است و تمام دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از دین و علم گرفته تا ورزش در برمی‌گیرد. هدف مقاله حاضر تبیین مفهوم سواد فرهنگی و اهمیت و نقش آن در تحولات علوم انسانی اسلامی است. در این راستا سؤالات زیر مطرح است: مفهوم سواد فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن چیست؟ ابعاد و مولفه‌های کلیدی آن کدامند؟ نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی چیست؟ چه راهکارهایی می‌توان جهت تحقق سواد فرهنگی متصور شد؟ از یافته‌های مهم این بررسی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: سواد فرهنگی را می‌توان به عنوان پیش‌نیاز برای تحول در علوم انسانی اسلامی در نظر گرفت. سواد فرهنگی آن چیزی است که تمام افشار جامعه بویژه دانش‌آموزان بایستی از آن آگاه باشند. حفاظت از فرهنگ ایرانی - اسلامی نیازمند سواد فرهنگی است. سواد فرهنگی یک پیوستار است نه یک مقوله و دارای ابعاد متعدد است و برای دستیابی آسان‌تر به اهداف تحول علوم انسانی اسلامی و هم برای درک تحلیلی و انتقادی مسائل اجتماعی و فرهنگی لازم و مؤثر است. مؤلفه‌های سواد فرهنگی به عمده‌ترین ابعاد، جنبه‌ها، ویژگی‌ها و همچنین بخش‌های کلی مفهوم سواد فرهنگی اطلاق می‌شود که عبارتند از: تاریخ

ملی، تاریخ جهان، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، رسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها و فناوری. منظور از عناصر سواد فرهنگی، مصادیق و زیر مؤلفه‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی است که به بهترین نحو ممکن، کیفیت و وضعیت سواد فرهنگی را در وجه گوناگون نمایان می‌سازد.

کلیدواژگان: سواد فرهنگی، علوم انسانی، تحول علوم انسانی، مؤلفه‌های سواد فرهنگی.

مقدمه

نکته مشترک در تعاریف متنوع فرهنگ آن است که در هر صورت فرهنگ از طریق نشانه‌ها و علائمی که تحت لوای آداب و رسوم و یا هنر و ادب یک جامعه شکل یافته‌اند، از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. در بیشتر تعاریف، به فرهنگ به عنوان سرمایه و دارایی‌های اجتماعی توجه شده است. فرهنگ عمومی مجموعه آداب، رفتار، باورها، ارزش‌ها و معیارهای موجود در دل یک جامعه است که مناسبات افراد با یکدیگر را نظام و معنا می‌بخشد، هویت افراد جامعه را شکل می‌دهد، و ایشان را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد. در ضمن همین ضوابط و ارزش‌ها و باورهای فرهنگ عمومی است که میراث مشترک فرهنگی به شمار می‌آید و افراد یک جامعه را با یکدیگر مرتبط و با دنیای خارج از خود متفاوت جلوه می‌دهد (افضل طوسی و نوذری، ۱۳۸۹).

تردیدی نیست که دستیابی به اهداف توسعه‌ای کشور، مستلزم پرورش شهروندانی است که از سواد مفید و کافی برخوردار باشند. ارتباط این دو مقوله مهم یعنی فرهنگ و سواد، مفهوم جدیدی است با عنوان سواد فرهنگی. طی دهه‌های اخیر بیش از ۳۴ نوع مفهوم سوادى مختلف مورد نیاز کشف، بررسی و تحلیل شده است که سواد علمی به معنای مصطلح در نظام آموزشی ما، تنها یکی از آنها به شمار می‌آید! از جمله سوادهای سودمند و مدرن می‌توان به سواد فرهنگی، سواد اجتماعی، سواد سیاسی، سواد اقتصادی، سواد رسانه‌ای، سواد اطلاعاتی، سواد اطلاع‌رسانی، سواد کامپیوتری، سواد اینترنتی، سواد محیط کار، سواد خانوادگی، سواد فناوری، سواد قانونی، سواد شبکه‌ای، سواد ارتباطی، سواد ابزاری، سواد منبع‌گزینی، سواد معنوی، سواد بهداشتی، سواد هنری، سواد سمعی و بصری، سواد نقادی، سواد نظامی و سواد محیطی (اکولوژیک) اشاره کرد.

بیانیه رسمی یونسکو در راستای «دهه سواد سازمان ملل متحد» (۲۰۰۳ - ۲۰۱۳) برداشت جدیدی از سواد را مطرح کرد. در این بیانیه، سواد چندگانه و چند بعدی مورد توجه قرار گرفت

(شیفر، ۲۰۰۳). از دیدگاه یونسکو، سواد تنها به معنای خواندن و نوشتن نیست، بلکه به معنای قابلیت‌ها و توانمندی‌های متعددی است که در قلب آن، قابلیت‌های ارتباطی قرار دارد. شیفر، انواع سواد یا قابلیت‌های مرتبط را به شرح زیر طبقه‌بندی کرده‌اند:

۱. سواد عملیاتی، به معنای توانایی خواندن و نوشتن در زمینه‌های گوناگون؛
 ۲. سواد فرهنگی، به معنای فهم مسائل با توجه به زمینه‌های آن؛
 ۳. سواد انتقادی، به معنای توانایی مشارکت در امور اجتماعی و نیز تلاش برای اصلاح و بهبود آن (دانای طوسی و کیامنش، ۱۳۸۸).
- عبارت «سواد فرهنگی» را هرش^۱ (۱۹۸۷) در کتاب پرورش خود، سواد فرهنگی: آنچه که هر امریکایی باید بداند متداول ساخت. این کتاب را مقامات بالای دولت به عنوان کتابی مهم در آینده آموزش و پرورش امریکا تحسین کردند و منتقدان آن را «پیگیری آموزشی بی‌اهمیت» دانستند. هرش پس از آن، لغتنامه سواد فرهنگی (۱۹۸۸) را منتشر کرد که در آن فهرستی از پنج هزار دانستی را در موضوعات مختلف ارائه می‌داد.

دانستن و بالا بردن آگاهی‌های فرهنگی و ارزش‌های ملی و مذهبی در جامعه از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. در این مقوله سواد فرهنگی به عنوان رکن مهم آموزش این ارزش‌ها درمی‌آید. طبق آموزش سواد فرهنگی یادگیری خواندن و یادگیری هر چیز دیگری، بسیار وابسته به پس‌زمینه‌های فرهنگی دانش‌آموز است. توین بی، کومنیوس و هرش هر سه بر دانش هسته‌ای و نقش اجتناب‌ناپذیرش در توسعه افراد و همچنین جامعه تأکید می‌کنند. سواد فرهنگی چشم‌اندازهای متفاوتی را از چگونگی تولید فرهنگ در جامعه و نقشی که مدارس باید در انتقال فرهنگ ایفا کنند، ارائه می‌دهد که با توجه به فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی کشور، ضروری است از این ظرفیت در افزایش آگاهی عمومی فرهنگی بهره گرفته شود.

در زمان حاضر در جامعه ما هیچ تعجیبی ندارد که از کمبود سواد فرهنگی حتی در میان دانش‌آموزان و دانشجویان و دانشگاهیان صحبت شود. در نظام آموزشی، جای آموزش عمومی یا به عبارت دقیق‌تر جای سواد فرهنگی خالی است. آموزش دانشگاهی‌ای که در جامعه ما ارائه می‌گردد عمدتاً تخصصی است و در برخی موارد میزان سواد فرهنگی شهروندان تحصیلکرده، بسیار ناچیز و ناپذیرفتنی است. در جامعه ما، به اهمیت و ضرورت سواد فرهنگی توجه کافی نشده است. (محمد مخملچی، ۱۳۹۳). بنابراین پژوهش حاضر در پی پاسخ گفتن به پرسش‌های زیر است:

۱. مفهوم سواد فرهنگی و ضرورت و اهمیت آن چیست؟
۲. ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی آن کدام‌اند؟
۳. نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی چیست؟
۴. چه راهکارهایی می‌توان برای تحقق سواد فرهنگی به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش‌آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور شد؟

۱. روش پژوهش

این تحقیق از نوع کیفی - تحلیلی است و محقق با بررسی و مطالعه منابع و اسناد مکتوب مرتبط و با استفاده از ابزار فیش‌برداری، در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های تحقیق برمی‌آید. پژوهش حاضر با توجه به منابع مطالعاتی، ماهیت موضوع، اهداف و پرسش‌های آن، از نوع تحقیق کیفی بوده، پژوهشی توصیفی - تحلیلی است و در آن، با بهره‌مندی از روش پژوهش توصیفی، به توصیف اهمیت و ماهیت سواد فرهنگی پرداخته می‌شود. با توجه به اینکه هدف پژوهش تحلیلی عبارت است از «فهم و بهبود مجموعه مفاهیم یا ساختارهای مفهومی که بر حسب آنها تجربه‌ها تفسیر، مقاصد به‌وضوح بیان، مسائل ساخت‌بندی شده و پژوهش‌ها به اجرا درمی‌آیند» (شورت، ۱۳۸۸)، در این مقاله به توضیح مفاهیم مرتبط با نقش سواد فرهنگی در تحول علوم انسانی اسلامی پرداخته می‌شود. ابزارهای اندازه‌گیری، عبارت‌اند از: فرم فیش‌برداری از اطلاعات و چک‌لیست محقق ساخته.

۲. مفهوم، اهمیت و ضرورت سواد فرهنگی

سواد فرهنگی عبارت است از مجموعه اطلاعات یا آگاهی‌های فرهنگی‌ای که خوانشگران کارآمد متعلق به یک فرهنگ باید از آن برخوردار باشند. بدیهی است که برخورداری از چنین آگاهی‌هایی شرط لازم برای ورود به گفت‌وگویی منطقی با دیگران است. مثلاً صحبت کردن درباره فوتبال مستلزم داشتن اطلاعاتی درباره قواعد و مقررات فوتبال و تیم‌ها و بازیکنان معروف است. یا اگر صحبت از سیاست است، شناخت موضوعات روز و دیدگاه‌های مختلف درباره آن موضوعات برای ایجاد تعامل با دیگران بسیار سودمند خواهد بود. این تلقی از سواد فرهنگی را هرش در سال ۱۹۸۲ در امریکا مطرح ساخت. سواد فرهنگی همانند مفاهیم مکمل آن یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی، سواد سمعی و بصری زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید (رومیانی و ضیائیان، ۱۳۹۳). بدین ترتیب سواد فرهنگی به کارآمدی‌های

ارتباطی نیز اطلاق می‌شود. سواد فرهنگی همانند مفاهیم مکمل آن، یعنی سواد رسانه‌ای، سواد دیجیتال، سواد کامپیوتری، سواد اطلاعاتی و سواد سمعی و بصری، زیربنای اصلی جامعه مبتنی بر دانایی به شمار می‌آید (جعفری و رئیس میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۳).

هرش، در کتاب معروفش، سواد فرهنگی را با یک جمله تعریف کرد: «هر آنچه یک انسان باید بداند». او مجموعه‌ای از دانش، اطلاعات و توانمندی‌ها را که یک فرد برای بقا و رشد در عصر حاضر باید بداند تعریف کرد (هرش، ۱۹۸۲). این اطلاعات در حوزه‌های مختلفی همچون ادبیات، تاریخ، علم و فناوری، زبان‌های مختلف، فرهنگ‌ها، هنر، رسانه‌ها، سیاست و غیره قرار دارند (در واقع سواد فرهنگی، چندین سواد مختلف را در دل خود جای داده است). سواد فرهنگی به تعریف هرش به معنای دارا بودن آن اطلاعات پایه است که به منظور زنده ماندن در دنیای مدرن مورد نیاز است و تمام دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از ورزش گرفته تا علم دربرمی‌گیرد. این سواد در طبقه اجتماعی فرد محدود و محصور نمی‌شود، بلکه کاملاً برعکس آن است (گراف، ۱۹۸۹).

سواد فرهنگی توانایی درک و قدردانی از شباهت‌ها و تفاوت در آداب و رسوم، ارزش‌ها و اعتقادات فرهنگ خود و فرهنگ دیگران است (منطقه آزمایشگاه آموزشی شمال مرکزی، ۲۰۰۰). منظور از سواد فرهنگی، شناخت «میدان‌های» فرهنگی مختلف (به تعبیر بوردیو) یا شناخت قواعد نوشته و نانوشته، گونه‌ها، گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود، زمینه‌ها و ملزوماتی است که بر عمل انسان‌ها تأثیر می‌گذارند. این شناخت، سواد خاصی را درباره «میدان» معینی در اختیار افراد قرار می‌دهد و به آنها امکان می‌دهد تا بتوانند تشخیص دهند که چه رفتارها، کردارها، گونه‌ها یا گفتمان‌هایی در شرایط خاصی مناسب یا مقتضی هستند. از آنجاکه معناسازی با توجه به «میدان» صورت می‌گیرد، میزان آشنایی افراد با نظام‌های معنایی مختلف (مثلاً زبان بدن و یا مد) و کنش‌های مرتبط با آنها و همچنین توانایی افراد در خوانش و استفاده از نظام‌های معنایی مختلف، میزان برخورداری آنان از سواد فرهنگی را تعیین می‌کند. (جعفری و رئیس میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۲). به طور کلی سواد فرهنگی را می‌توان از دو منظر بررسی کرد:

۱. از منظر «درون جامعه‌ای» که مشتمل بر شناخت عناصر اساسی تشکیل‌دهنده فرهنگ ملی و شناخت آن دسته از عناصر جهانی است که بر فرهنگ ملی تأثیرگذار هستند؛
۲. از منظر «برون جامعه‌ای» که به معنای برخورداری از سواد فرهنگی در مورد سایر ملت‌هاست (میرزاامینی و صفایی، ۱۳۸۸، ص ۵).

در جوامع کنونی، افراد برای برخورد مؤثر با اندیشه‌های جدید، به دانش عمومی وسیع و متنوع

نیاز دارند و قوی‌ترین دانش عمومی، سواد فرهنگی است که هم برای درک تحلیلی و انتقادی متون لازم و مؤثر است و هم برای انجام بهتر و علمی‌تر کارها و دستیابی آسان‌تر به اهداف اجتماعی و فرهنگی. بنابراین همه افراد جامعه اطلاعاتی باید از سواد فرهنگی کافی برخوردار باشند؛ به گونه‌ای که بتوانند موضوعات مختلف را تمیز دهند و درباره آنها بیندیشند و به عبارت دیگر سواد عمومی و فرهنگی لازم برای درک اطلاعات گوناگون را داشته باشند؛ زیرا نبود دانش زمینه‌ای می‌تواند درک اطلاعات را بسیار مشکل یا حتی غیرممکن سازد (محمد مخملچی، ۱۳۹۳).

هاروی گراف از دانشگاه تگزاس در مقاله‌ای با عنوان «سواد انتقادی در برابر سواد فرهنگی خوانش علایم زمان‌ها»، با بیان اینکه ارتقای سواد فرهنگی یک موقعیت قدرتمند ایجاد می‌کند، از قول هرش می‌نویسد:

اگرچه جریان فرهنگی به واژه‌های نوشته‌شده گره خورده و ممکن است نسبت به سایر عناصر فرهنگ رسمی‌تر و... به نظر برسد، لیکن این سواد یک شهود است. سواد فرهنگی دموکراتیک‌ترین فرهنگ در سرزمین ماست. این سواد تقابل نسل‌ها و طبقات و گروه‌های اجتماعی را حل می‌کند. این سواد نخستین فرهنگ معمول یک فرد نیست، بلکه باید دومین فرهنگ هر فرد باشد (گراف، ۱۹۸۹).

سوادآموزی فرهنگی شبکه‌ای از آگاهی‌هاست که تمام خوانندگان واجد صلاحیت از آن برخوردارند. سوادآموزی فرهنگی آگاهی‌های زمینه‌ای است که در ذهن ذخیره می‌شود و افراد را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای هوشمندانه روزنامه‌ها را مطالعه کنند. سوادآموزی فرهنگی از سطح آگاهی روزمره افراد بالاتر و از سطح دانش تخصصی کارشناسان پایین‌تر است (هرش، ۲۰۰۱). هرش استدلال می‌کند که سوادآموزی فرهنگی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و نیز برای شهروندی ضروری است. سوادآموزی فرهنگی باید در سن سیزده سالگی حاصل شده باشد. در سال ۱۹۸۷ هرش منطق کامل خود را این گونه ارائه داد: «اهمیت مدنی سواد فرهنگی در این واقعیت نهفته است که آزادی واقعی، وابسته به دانش است، خود دانش وابسته به سواد، و در نهایت سواد نیز وابسته به سواد فرهنگی است».

در نظری، خواندن نیازمند پس‌زمینه و یا «دانش جهانی»، یعنی سواد فرهنگی است. هدف اساسی تعلیم و تربیت در این دیدگاه، فرهنگ‌پذیری است؛ یعنی انتقال آگاهی‌های ویژه مشترک از بزرگسالان یک گروه یا دولت‌شهر به بچه‌ها. هرش استدلال می‌کند که سوادآموزی فرهنگی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و نیز برای شهروندی ضروری است. سوادآموزی فرهنگی باید در سن سیزده سالگی حاصل شده باشد (هرش، ۱۹۸۷، ص ۳۰). وی «سواد انتقادی در برابر سواد

فرهنگی» را مطرح کرده و بر این باور است که سواد فرهنگی باید دومین فرهنگ هر فرد به شمار آید. به اعتقاد هرش سواد فرهنگی آن چیزی است که همه دانش‌آموزان باید از آن آگاه باشند؛ زیرا به واسطه آن فرصت‌های یادگیری به طور یکسان میان دانش‌آموزان گسترده خواهد شد. هرش بر این باور است که سواد فرهنگی موجب بهبود در یادگیری، افزایش قدرت حافظه، بهبود روخوانی دانش‌آموزان، کاهش اندازه کلاس، و ایجاد انصاف و عدالت در مدارس خواهد شد. سواد فرهنگی تنها راه مطمئن به‌کارگیری فرصت‌ها به منظور جبران ضعف کودکان، و تنها راه درخور اعتماد مبارزه با جبرگرایی اجتماعی است. فقط با به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات از طرق اجتماعی (سواد فرهنگی) است که کودکان فرا می‌گیرند تا در فعالیت‌های همکارانه با دیگر اعضای جامعه‌شان همیاری کنند (گراف، ۱۹۸۹).

امروز زندگی اجتماعی نسبت به گذشته بسیار پیچیده‌تر شده است و لذا افراد اجتماع به دانش عمومی وسیع‌تری در رشته‌های گوناگون دانش بشری نیازمندند؛ زیرا از طریق هر یک از رشته‌های دانش می‌توان از منظر خاصی به جهان و زندگی نگریست. به عبارت دیگر هر یک از رشته‌های دانش چشم‌انداز و منظر متفاوتی برای عقل‌ورزی و فهم جهان و زندگی در اختیار انسان می‌گذارد. به طور کلی، آموزش دانشگاهی بدون آموزش دانشگاهی عمومی (سواد فرهنگی)، آموزشی ناقص خواهد بود؛ به گونه‌ای که فراگیران از تربیت کلی و دانش عمومی لازم برای غنی‌سازی زندگی و فرهنگ فردی و اجتماعی خویش محروم خواهند شد. در واقع آموزش دانشگاهی عمومی، امکان درک اتصالات، ارتباطات و پیوندهای میان رشته‌های گوناگون دانش را برای فراگیران فراهم می‌آورد که این امر به نوبه خود چارچوب وسیعی را برای سازگاری و برخورد مؤثر با پیچیدگی‌های زندگی و مسائل ناشی از آن پیچیدگی‌ها در اختیارشان قرار می‌دهد (مخملچی، ۱۳۹۳).

از جمله فواید نظری مطالعه سواد فرهنگی در نظام آموزشی کشورمان می‌توان به این موارد اشاره کرد: الف) افزایش آگاهی از ارزش‌های موجود در زمینه‌های فرهنگی جامعه با هدف برنامه‌ریزی کارآمد و اثربخش؛

ب) افزایش آگاهی از مؤلفه‌های اسلامی-ایرانی تعریف‌شده در گستره سواد فرهنگی با هدف بهبود غنای فرهنگی سیاست‌ها و اهداف آموزشی؛

ج) افزایش آگاهی نسبت به وجوه اشتراک فرهنگی دانش‌آموزان و دانش‌جویان، به عنوان آینده‌سازان مملکت؛

د) ایجاد نگرش مثبت نسبت به برقراری ارتباطات دوسویه میان فرهنگ‌ها و مراکز علمی در سطح بین‌المللی با هدف پیشرفت علمی و فرهنگی نظام آموزش و پرورش؛

ه) ایجاد نگرش مثبت نسبت به گنجاندن اهداف آموزشی مبتنی بر اشتراکات و اختلافات میان فرهنگی با هدف توجه به اصل همه‌جانبه‌نگری در تدوین و ابلاغ سیاست‌ها؛
و) ایجاد نگرش مثبت نسبت به ضرورت ترویج ارزش‌های فرهنگی گوناگون در هر یک از قومیت‌های ملی و جوامع بین‌المللی با هدف آشناسازی فراگیران با وجوه برجسته سایر اقوام یا ملل؛

ز) درک تفاوت‌ها و شباهت به منظور تعامل بهتر با فرهنگ‌های دیگر.
از جمله فواید عملی مطالعه سواد فرهنگی در نظام آموزشی کشورمان نیز می‌توان به این موارد اشاره کرد:

الف) کمک به افزایش توانمندی برنامه‌ریزان درسی و آموزشی در طراحی و اجرای سیستم‌های نیازسنجی آموزشی و همچنین نظام جامع رتبه‌بندی آموزشی متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی حاکم بر اقوام و ملیت‌های گوناگون؛

ب) کمک به افزایش توانمندی سیاست‌گذاران آموزشی در بازتعریف فلسفه تربیتی حاکم بر اهداف و خط‌مشی‌های آموزشی با هدف حفظ و ترویج مؤلفه‌های سواد فرهنگی اسلامی-ایرانی و همچنین توجه به شناساندن وجوه فرهنگی ملل دیگر در ابلاغ سیاست‌های آموزشی؛

ج) کمک به افزایش توانمندی معلمان و مدرسان در کاربرد روش‌های تدریس مبتنی بر زمینه‌های فرهنگ اسلامی-ایرانی با هدف نهادینه‌سازی فرهنگ خودی و همچنین آشناسازی فراگیران با فرهنگ ملل دیگر؛

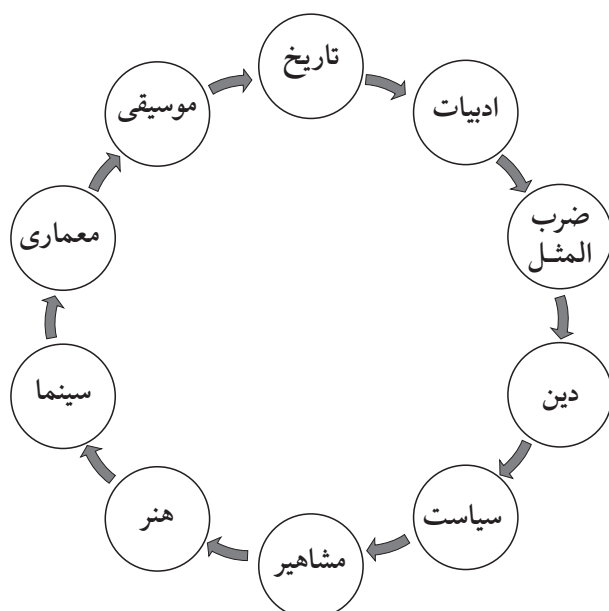
د) برقراری زمینه ارتباط مؤثرتر در سراسر کشور؛ همچون برقراری ارتباط بین قومیت‌های مختلف و تخصص‌های گوناگون در مکان‌های مختلف؛

ه) اتحاد و انسجام فرهنگی در کشور.

۳. ابعاد و مؤلفه‌های کلیدی سواد فرهنگی

به طور کلی از دیدگاه هرش، در بررسی سواد فرهنگی هر جامعه بیش از ده مؤلفه اصلی اهمیت دارند که این مؤلفه‌ها بدین قرارند: تاریخ ملی، تاریخ جهانی، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، مطبوعات، اصطلاحات و نقل قول‌ها و فناوری (هرش، ۲۰۰۲، ص ۷). او بر این باور است که هیچ فرهنگی وجود ندارد که از سنت‌های خود بی‌خبر باشد. در یک جامعه باسواد، فرهنگ و سواد فرهنگی مترادف‌های نزدیکی هستند و برای بالا بردن سطح سواد یک جامعه، بهترین

راه، تعریف دوباره فرهنگ و گسترش سواد فرهنگی است (فرمehینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶). منظور از مؤلفه‌های سواد فرهنگی، عناوین فرعی (شاخه‌های فرعی) سواد فرهنگی است که معیار مناسبی برای تشخیص و اندازه‌گیری میزان سواد فرهنگی افراد، گروه‌ها و جوامع است. به عبارت دیگر، مؤلفه‌های سواد فرهنگی به عمده‌ترین ابعاد، جنبه‌ها، ویژگی‌ها و همچنین بخش‌های کلی مفهوم سواد فرهنگی اطلاق می‌شود که عبارت‌اند از: تاریخ ملی، تاریخ جهان، ادبیات، مشاهیر، دین و مذهب، هنر و سبک معماری، اقتصاد، سیاست، موسیقی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، جغرافیا، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، رسانه‌ها و مطبوعات، ضرب‌المثل‌ها و فناوری.



منظور از عناصر سواد فرهنگی، مصادیق و زیرمؤلفه‌های هر یک از مؤلفه‌های اصلی است که به بهترین نحو ممکن، کیفیت و وضعیت سواد فرهنگی را در وجوه گوناگون نمایان می‌سازد.

هریک از مؤلفه‌های مذکور نقش بی‌بدیلی در افزایش سطح سواد فرهنگی دارند. برای مثال مؤلفه‌های تاریخ، ادبیات و دین در سواد فرهنگی جلوه‌ای از میراث فرهنگی و آینه جان، اندیشه، فلسفه و معنویت یک جامعه است. آنچه در این میان اهمیت دارد، آگاه‌سازی عمومی و نخبگانی از این هویت ملی و معنوی و میراث ارزشمند و برنامه‌ریزی‌های دقیق فرهنگی و آموزشی در جهت نگهداری از آنهاست. اگرچه پاسداری از ارزش‌ها و میراث فرهنگی وجهی جهانی یافته و نهادهای وابسته با تشکیل ستادهایی برای بازیابی و نگهداری از آنها می‌کوشند، اما شکی نیست که امروزه ملل و اقوام برای گفت‌وگو و هم‌اندیشی بیشتر نیازمند شناخت یکدیگر هستند؛ از این‌رو مؤلفه‌های

تاریخ، ادبیات و دین به عنوان مهم‌ترین وجوه سواد فرهنگی، از مهم‌ترین ابزارهای این گفت‌وگو و شناخت هستند. مؤلفه هنر بی‌شک یکی از رساترین، نافذترین و ماندگارترین مؤلفه‌های سواد فرهنگی است (فرم‌هینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶). مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: هر پیامی، هر دعوتی، هر انقلابی، هر تمدنی و هر فرهنگی تا در قالب هنر ریخته نشود، شأنس نفوذ و گسترش ندارد و ماندگار نخواهد بود و فرقی هم بین پیام‌های حق و باطل نیست. شک نباید کرد که انقلاب، به هنر نیازمند است و هنر انقلاب از آنجاکه باید حامل مفاهیمی نو و اجباراً ناآشنا باشد و از آنجاکه باید با همه معارضه‌ها و خصومت‌هایی که هیچ انقلابی از آن مصون نیست، درگیر شود و از آنجاکه باید معارف نوین را در ذهن‌ها راسخ و ماندگار سازد، ناگزیر باید هنری ممتاز و فاخر و پیشرو باشد. شعر و هنر، زیباترین قالب برای همه پیام‌های نوین و مایه گسترش و نفوذ این پیام‌ها تا هر سوی خطه وسیع دل‌ها و جان‌های انسانی است و شاعران و سخن‌سرایان آگاه همیشه توانسته‌اند والاترین معارف انسانی را در کتیبه روزگار با نقشی جاودانه، به نسل‌های بعد از خود بنمایانند (خامنه‌ای، ۱۳۶۵).

«سواد فرهنگی» و تقویت آن در حوزه «فرهنگ عمومی»: به دلیل ماهیت و عمومیت سوادآموزی فرهنگی، باید علاوه بر نگاه تخصصی به آن، این موضوع به «حوزه فرهنگ عمومی» نیز سوق داده شود. اگرچه طی دهه‌های اخیر ده‌ها هزار دانشجوی و دانش‌آموخته در رشته‌های تعلیم و تربیت و رشته‌های متعدد دیگر در نظام آموزشی کشور تربیت شده‌اند و صاحب هزاران کتاب، مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش‌های تحقیقاتی هستند، اما باید گفت ضمن تأیید ضرورت وجود و گسترش این فعالیت‌های تخصصی و آکادمیک، لازم است مقوله سوادآموزی فرهنگی در «حوزه فرهنگ عمومی» نیز تعریف شود و جایگاهی درخور توجه داشته باشد تا بتواند تأثیر محسوسی بر بهبود وضعیت آموزش در ایران بگذارد. بر خلاف این واقعیت، متأسفانه اغلب این فعالیت‌های دانشگاهی و علمی به حوزه عمومی وارد نشده‌اند و در قفسه‌های دانشگاه‌ها و مراکز اداری یا تحقیقاتی بایگانی شده‌اند.

۴. نقش فرهنگی در تحول علوم انسانی

پیشرفت و توسعه در جوامعی روی می‌دهد که اهمیت و جایگاه علوم انسانی در آنها والا باشد. جوامعی در مسیر توسعه و پیشرفت قرار گرفته‌اند که علوم انسانی در آنها رونق داشته است. سواد فرهنگی با تقویت دانستی‌های اساسی در زمینه‌های مختلف زمینه‌ساز توافق بین‌الذنهانی بین آحاد

مختلف مردم می‌شود و فرهنگ‌سازی مناسبی برای پیشرفت در عرصه‌های مختلف را امکان‌پذیر می‌سازد. زمانی یک کشور می‌تواند در مسیر توسعه همه‌جانبه گام بردارد که میزان رشد فکری مردم آن جامعه بالا باشد. زمانی می‌توان در اقتصاد، سیاست و... توسعه یافته شد که رشد فکری جامعه نیز بالا باشد؛ یعنی شرط برخورداری از توسعه پایدار، رشد و توسعه فرهنگی و فکری است. سواد فرهنگی در زمینه‌سازی این امر بی‌بدیل است. در کنار عوامل تأثیرگذار در پدید آمدن تمدن‌ها، اخلاق، هنر، معنویت و علوم انسانی نقشی کلیدی دارند و اگر علوم انسانی و هنر و ادبیات و مانند آن را از تمدن‌ها بگیریم، روح آنها را گرفته‌ایم و اگر این مقولات را تقویت کنیم، جامعه را به سوی بالندگی و توفیق بیشتر پیش برده‌ایم. تقویت سواد فرهنگی، گامی در این مسیر است.

در حوزه علوم انسانی، باید تولید نظریه و فکر عملی داشت تا بتوان این علوم را از حالت علم درجه دو خارج کرد و ارتقای سواد فرهنگی، کمکی اساسی در این راستاست. برای مثال ادبیات از مؤلفه‌های کلیدی سواد فرهنگی است. ادبیات، زبان و ادبیات فارسی گوهر تمدن ایرانی و اسلامی است و تقویت جنبه‌های معنوی، ایمانی، اسلامی و قرآنی آن مهم است که در سواد فرهنگی به آن توجه خاص می‌شود. تأکید بر تقویت زبان و ادب فارسی به عنوان نماد هویتی ایران، اصلی مهم است که باید تعریف بهتری از علوم انسانی در جامعه ارائه شود تا جامعه نسبت به آن متوجه و مشتاق گردد. در آموزش سواد فرهنگی این امر امکان‌پذیر است. افزایش سواد فرهنگی در جامعه را می‌توان راه‌حلی برای مشتاق کردن جامعه به علوم انسانی دانست که می‌تواند اثر بیشتری از تولید مقالات علمی پژوهشی در جامعه داشته باشد.

برای تحول در علوم انسانی اسلامی، به بستری مناسب نیاز است. سواد فرهنگی با توجه به ویژگی‌هایش می‌تواند این بستر را تأمین کند؛ چراکه افزایش سواد فرهنگی می‌تواند موجب افزایش آگاهی از ارزش‌های موجود در زمینه‌های فرهنگی جامعه و همچنین افزایش آگاهی از مؤلفه‌های اسلامی-ایرانی شود. این امر همچنین می‌تواند به بهبود غنای فرهنگی و ایجاد نگرش مثبت نسبت به ضرورت ترویج ارزش‌های فرهنگی گوناگون بینجامد. کمتر کسی است که امروزه نقش فرهنگ را در سلامت، انسجام و توسعه اجتماعی نادیده بینگارد. سواد فرهنگی، ارزش‌های سنتی و اهمیت میراث فرهنگی را دوباره گوشزد می‌کند و این وعده را می‌دهد که برقراری سنت موجب انسجام اجتماعی، ارتقای آگاهی‌های فرهنگی، هویت ملی و تعامل با دیگر فرهنگ‌ها می‌شود. اینکه متون و مواد فعلی در محتوا دچار کمبود است و دانش متعارف و سواد فرهنگی لازم را منتقل نمی‌کند، ادعایی است که اثباتش به کار پژوهشی نیاز دارد.

سواد فرهنگی ریشه در میراث فرهنگی و اجتماعی یک کشور دارد و از آنجاکه کشور ما به‌ویژه

پس از ظهور اسلام بافت مذهبی داشته و با اسلام آمیخته است، نمی‌توان میان آنها جدایی قائل شد. از آن گذشته یکی از مؤلفه‌های کلیدی سواد فرهنگی، دین و مذهب است و بررسی سواد فرهنگی در واقع بررسی دین و مذهب هم هست. سواد فرهنگی حیطه گسترده‌ای دارد و تمام دامنه‌های فعالیت‌های انسانی را از ورزش گرفته تا دین و علم دربرمی‌گیرد. سواد فرهنگی آن چیزی است که همه دانش‌آموزان باید از آن آگاه باشند؛ سوادآموزی فرهنگی از سطح آگاهی روزمره افراد بالاتر و از سطح دانش تخصصی کارشناسان پایین‌تر است. سوادآموزی فرهنگی برای زندگی اجتماعی و اقتصادی و نیز برای شهروندی ضروری است. حفاظت از فرهنگ ایرانی-اسلامی نیازمند سواد فرهنگی است. با توجه به اینکه یکی از اهداف سواد فرهنگی حفاظت از فرهنگ به صورت منسجم و علمی است، در ایران نیز قطعاً حفاظت از فرهنگ اسلامی-ایرانی نیازمند سواد فرهنگی است تا در ذیل شعار سواد فرهنگی، به دنبال مدیریت صحیح برای هماهنگی و هم‌افزایی و افزایش مسئولیت‌پذیری عموم مردم در این زمینه باشیم. سواد فرهنگی بحثی میان‌رشته‌ای است و تا امروز متأسفانه به شکل علمی و مفصل در مدارس و دانشگاه‌ها به آن نپرداخته‌ایم و خلأ آن کاملاً احساس می‌شود.

۵. راهکارهای تحقق سواد فرهنگی

اما در پاسخ به پرسش چهارم پژوهش که «چه راهکارهایی برای تحقق سواد فرهنگی به‌ویژه در نظام آموزش و پرورش جهت نقش‌آفرینی آن در تحول علوم انسانی اسلامی متصور است؟»، می‌توان به راهکارهای زیر اشاره کرد:

۱. طراحی و تدوین بسته آموزشی چندبعدی تحت عنوان «ماتریس سواد فرهنگی»: برنامه‌ریزی چندبعدی و فرایندمدار در جهت تحقق اهداف متصور در مؤلفه‌ها و عناصر سواد فرهنگی و افزایش سطح آگاهی و سواد دانش‌آموزان نسبت به سواد فرهنگی ضروری است. یک محیط غنی و متنوع برای پرورش کل شخصیت دانش‌آموز، از طریق تولید، طراحی آموزشی، اجرا و ارزیابی با توجه به تنوع و چندبعدی‌نگری امکان‌پذیر است. تدارک محیط غنی و پویا برای دانش‌آموز جهت کسب نگرشی نو و افزایش توانایی‌ها و ارج نهادن به او، از طریق یک نظام آموزشی کل‌نگر و چندبعدی از دانش، مهارت و نگرش با محوریت افزایش سطح سواد فرهنگی امکان‌پذیر است. به عبارت دیگر، ماتریس سواد فرهنگی برنامه‌ریزی کل‌نگری است که کلیت موردنظر در پرورش شخصیت دانش‌آموز را در بیش از ده قلمرو سواد فرهنگی (شامل تاریخ، ادبیات، هنر، دین و مذهب، مشاهیر ملی، مشاهیر جهانی، اقتصاد، سیاست، روابط بین‌الملل،

مطبوعات، جغرافیا، علوم مدنی، علوم پایه، پزشکی و سلامت، فناوری، جامعه‌شناسی، مطبوعات و روان‌شناسی) مورد توجه قرار می‌دهد. مسئله قابل توجه در طرح آموزشی «ماتریس سواد فرهنگی»، ارتباط و تعامل مؤلفه‌ها و عناصر سواد فرهنگی در برنامه‌ریزی آموزشی و درسی برای دانش‌آموزان است که کلیتی را برای پرورش کل شخصیت دانش‌آموزان فراهم آورد (فرمینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶):

۲. برنامه‌ریزی و طراحی آموزشی برنامه درسی تلفیقی جهت استقرار زنگ مطالعه تلفیقی در مدارس: این برنامه که مطالعات آن در وزارت آموزش و پرورش ژاپن انجام شده و از آوریل سال ۲۰۰۳ در همه مدارس آن کشور لازم‌الاجرا گشته، بازنگری در برنامه‌های درسی مدارس است؛ به نحوی که فرصت لازم برای یادگیری تلفیقی یا ساعت مطالعه تلفیقی در برنامه‌های آموزشی و درسی مدارس فراهم شود (سرکار آرانی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۵). این برنامه یک ماده درسی نیست، بلکه فرصت یادگیری است که در مدارس و برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده و هر مدرسه با توجه به شرایط طبیعی، فرهنگی، جغرافیایی، آموزشی و اجتماعی خود باید محتوای لازم برای آموزش آن را به کمک دانش‌آموزان فراهم کند. هدف اساسی این برنامه، برقراری ارتباط مؤثر میان عناصر و موضوعات مختلف برنامه درسی در فعالیت‌های آموزشی مدارس است. در این روش به نظام آموزش و پرورش به طور عام و مدارس به طور خاص توصیه می‌شود که با توجه به موقعیت خود تا حد ممکن مؤلفه‌ها و عناصر سواد فرهنگی نظیر دوره‌های تاریخ ایران، آثار مهم تاریخی ایران، دوره‌های مهم تاریخ اسلام، جنگ‌ها و رویدادهای مهم تاریخ اسلام، دوره‌های مهم تاریخ جهان، جنگ‌ها و انقلاب‌های مهم تاریخ جهان، ادبیات شامل انواع ادبی، سبک‌های شعری، قالب‌های شعری، آرایه‌های ادبی، درونمایه‌های ادبیات فارسی، ادبیات نوین ایران، ادبیات کودک و نوجوان، زندگی‌نامه علمای دینی، نویسندگان ایرانی، نویسندگان خارجی، شعرا، فیلسوفان مسلمان و غیرمسلمان، مشاهیر عرصه هنر و موسیقی دانان ایرانی و خارجی، دین و مذهب شامل دین اسلام، مسیحیت، یهودیت، زرتشتی و ادیان سایر ملل، و مفاهیم سیاسی و تعاملات بین‌المللی و موضوعات اقتصادی را مورد توجه قرار دهند. روش آموزش این دروس بیشتر کاربردی، عینی و تجربی است و کمتر از روش‌های معمول سخنرانی استفاده می‌شود. معلمان این درس‌ها نه تنها معلمان رسمی مدرسه بلکه والدین، شهروندان، دوستان و همبازی‌ها، مسئولان فرهنگی، علمی و اجتماعی، صنعتی و... هستند. مکان‌های آموزشی هم نه تنها مدرسه بلکه پارک‌ها، مراکز صنعتی و خدماتی، کتابخانه‌ها، موزه‌ها، در کنار رودخانه‌ها، کوه‌ها، مؤسسات اجتماعی و آزمایشگاه‌های مختلف است؛

۳. جای‌گزینی «رویکرد شناختی» با «رویکرد اجتماعی» در تلقی نسبت به مقوله سواد فرهنگی: رویکرد شناختی نظام آموزش و پرورش کشور به سواد، رویکرد درستی نیست و نمی‌تواند سواد را برای افراد، مفید و ارزشمند سازد؛ از این‌رو افراد در برابرش مقاومت می‌کنند. بر این اساس باید با رویکرد بدیلی به نام «رویکرد اجتماعی» به سواد نگاه کرد. در منظر شناختی، سواد مهارت شناختی و ذهنی است که دانش‌آموز باید آن را بیاموزد؛ چیزی است شبیه «مهارت» یا «فن» که می‌توان آن را در نتیجه ممارست یا به خاطر سپردن به دست آورد. از این دیدگاه، سواد، یعنی «قابلیت شناختی» که به افراد شیوه خواندن، نوشتن و شمارش اعداد یا حساب را می‌آموزد. این قابلیت را می‌توان در مدرسه، به کمک معلم و کتاب‌های درسی آموخت یا حتی افراد ممکن است بتوانند بدون مشارکت دیگران نیز باسواد شوند. پیش‌فرض این دیدگاه این است که افراد هوش و استعداد یادگیری سواد را دارند و ما صرفاً باید از راه آموزش این استعداد بالقوه فردی را تحقق ببخشیم و شکوفا کنیم. از این‌رو سواد دارای نوعی بنیان زیست‌شناسانه و فردی است. همچنین این قابلیت را می‌توان به کمک «آزمون‌های ارزشیابی کمی» سنجید؛ اما در مقابل، از نظر رویکرد اجتماعی، سواد سازه اجتماعی است نه زیست‌شناسانه. در این رویکرد سواد نوعی «عمل اجتماعی» است؛ یعنی معانی‌ای که در متن‌های شفاهی، کتبی و بصری ارائه می‌شوند، به طور اجتماعی ساخته و در زمینه اجتماعی خوانده می‌شوند. از این منظر نه تنها نوشتن، بلکه حتی خواندن نیز بستگی تام به بستر اجتماعی‌اش دارد. در دیدگاه اجتماعی، سواد به عنوان توانایی فرد برای تولید و فهم متن‌ها با توجه به نقش و جایگاه ساختارها و بستر اجتماعی و نقش ایدئولوژی و نهادها ملاحظه می‌شود. از این‌رو موضوع سواد مستقیماً به شرایط سیاسی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی جوامع ارتباط دارد (فرهپینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶):
۴. لزوم ترویج و تقویت «گفتمان‌شناسی سواد فرهنگی»: یکی از علل سکوت اجتماعی در برابر بحران بی‌سوادی امروز، حذف سواد از گفتمان‌های فکری و جریان‌های روشن‌فکری است. در ظاهر امر این‌گونه فرض شده است که جامعه ایران با توجه به داشتن سابقه بیش از صدسال نظام مدرسه‌ای و گسترش سراسری آن، از مرز بحرانی سوادآموزی عبور کرده است. جمعیت بالای دانش‌آموزان، معلمان و وجود هزاران مدرسه و مرکز آموزشی در سراسر کشور نیز می‌تواند نوعی «خطای دید» در توجه به میزان باسوادی در ایران ایجاد کند و به کند شدن حرکت توسعه همه‌جانبه بینجامد؛
۵. بازتعریف مفهوم سواد و زیرمجموعه‌های آن از جمله سواد فرهنگی و تقویت آن در حوزه «فرهنگ عمومی»: به دلیل ماهیت و عمومیت سوادآموزی فرهنگی، باید علاوه بر نگاه تخصصی به آن،

این موضوع به «حوزه فرهنگ عمومی» نیز سوق داده شود. اگرچه طی دهه‌های اخیر ده‌ها هزار دانشجوی و دانش‌آموخته در رشته‌های تعلیم و تربیت، تکنولوژی آموزشی، مطالعات برنامه درسی، فلسفه تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، مطالعات آموزش و رشته‌های متعدد دیگر در نظام آموزشی کشور تربیت شده‌اند و صاحب هزاران کتاب، مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش‌های تحقیقاتی هستند، اما جدا از ضرورت وجود و گسترش این فعالیت‌های تخصصی و آکادمیک، لازم است مقوله سوادآموزی فرهنگی در «حوزه فرهنگ عمومی» نیز تعریف شود و این مقوله جایگاه درخور توجهی داشته باشد تا بتواند تأثیر چشمگیری بر بهبود وضعیت آموزش در ایران بگذارد. برخلاف این واقعیت، متأسفانه اغلب این فعالیت‌های دانشگاهی و علمی به حوزه عمومی وارد نشده و در قفسه‌های دانشگاه‌ها و مراکز اداری یا تحقیقاتی بایگانی شده‌اند؛

۶. استفاده از چندرسانه‌ای‌ها در طراحی و استقرار «بانک اطلاعات سواد فرهنگی»: تولید چندرسانه‌ای مواد آموزشی و تدارک برنامه آموزشی و درسی با توجه به تنوع و چندبعدی‌نگری لحاظ‌شده در برنامه، محیطی غنی و پویا را در نگرش به دانش‌آموز و آفرینش‌های متنوع و خلاق در هر تعامل فراهم می‌آورد. طراحی و اجرای «بانک اطلاعات سواد فرهنگی» به کمک چندرسانه‌ای‌ها، با توجه به گستردگی و تنوع چندبعدنگری عرصه سواد فرهنگی، فرصت بروز خلاقیت یاددهنده و یادگیرنده و انعطاف‌پذیری را در برنامه فراهم می‌آورد؛

۷. تدوین سیاست‌های آموزشی در راستای افزایش سطح سواد فرهنگی معلمان و دبیران از طریق برگزاری جلسات هم‌اندیشی و دانش‌افزایی در این زمینه؛

۸. از نظام آموزش و پرورش انتظار می‌رود که نشانگر تجلی فرهنگ در سطح جامعه باشد. براین اساس انتظار می‌رود آموزش و پرورش تا حدود فراوانی فرهنگی باشد و دغدغه‌مندی‌های مرتبط همچون پرداخت به مقوله سواد فرهنگی را سرلوحه سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی خود سازد و تخصیص منابع انسانی، کالبدی و مالی را در حیطه یادشده در دستور کار قرار دهد؛

۹. مقابله با پدیده‌ی منفی از خودبیگانگی فرهنگی و تلاش برای بالا بردن عزت نفس دانش‌آموزان از طریق ایجاد نگرش مثبت و علاقه در آنها نسبت به دوره‌های مهم تاریخ ایران و وقایع و آثار تاریخی؛

۱۰. ایجاد نگرش مثبت و علاقه در دانش‌آموزان نسبت به مؤلفه زبان و ادبیات فارسی؛

۱۱. سرلوحه قرار دادن مؤلفه دین و مذهب به عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سواد فرهنگی

- و ارزش‌های اسلامی از طریق توجه ساختار و نظام آموزش و پرورش به پرورش شخصیت دانش‌آموز در همه وجوه (نه صرفاً علم‌آموزی) و همچنین توجه به تقویت پشتیبانی معنوی؛
۱۲. توجه به هنر فاخر به عنوان یکی از مؤلفه‌های سواد فرهنگی از طریق برقراری پیوند و تعامل میان نظام آموزش و پرورش و مراکز هنری؛
۱۳. عنایت همه مسئولان و دستگاه‌های اجرایی به موضوع سوادآموزی فرهنگی از طریق همکاری‌های بین‌بخشی نظام آموزش و پرورش و نهادهای ذی‌ربط در راستای ریشه‌کنی بی‌سوادی فرهنگی؛
۱۴. با توجه به پیشرو بودن نظام آموزش عالی و فضاهاى دانشگاهی در ترویج ارزش‌های فرهنگی کشور و افزایش سطح سواد فرهنگی جامعه، لزوم توجه به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آموزشی کلان فرهنگی بیش از پیش محسوس است و نیازمند همکاری آموزش عالی در بازنگری محتوای واحدهای درسی مرتبط و ارزشمند انگاشتن واحدهای درسی عمومی است؛
۱۵. بازمهندسی نظام جامع تربیت معلم از سوی آموزش عالی با رویکرد سواد فرهنگی؛
۱۶. برخورد دوران ما برخورد فرهنگی است. آنچه در وهله نخست به عنوان مهم‌ترین جبهه و عرصه هماورد اتفاق می‌افتد در عرصه فرهنگ است. آنچه در وهله نخست به عنوان مهم‌ترین جبهه و عرصه و هر گونه آموزش فرهنگ عمومی، باید از ابزار این دوران، یعنی فرهنگ سود جست؛
۱۷. دو برداشت متفاوت نسبت به سواد فرهنگی وجود دارد: برداشت اول تعریفی ایستا از این مفهوم عرضه می‌کند که به فهرست کردن همه مفاهیم یا اطلاعات اساسی یا پایه که یک فرد باید بداند منتهی می‌شود؛ از آشنایی با نشانه‌های موجود در خیابان گرفته تا رویدادهای مهم تاریخی و همچنین توانایی در استفاده از اصطلاحات رایج، تکیه‌کلام‌ها و شناخت مجموعه ادبیات اصیل. در این دیدگاه سواد فرهنگی عبارت است از مجموعه اطلاعات یا آگاهی‌های فرهنگی که خوانندگان کارآمد متعلق به یک فرهنگ باید از آن برخوردار باشند. بدیهی است برخورداری از چنین آگاهی‌هایی شرط لازم برای ورود به یک گفت‌وگوی منطقی با دیگران است. این تلقی از سواد فرهنگی در سال ۱۹۸۲ توسط «هرش» در امریکا مطرح شد. وی در کتابی با عنوان سواد فرهنگی: آنچه هر امریکایی باید بداند فهرستی از پنج هزار دانستی در موضوعات مختلف را ارائه کرد. وی همچنین در سال ۲۰۰۱ دایرةالمعارف کامل سواد فرهنگی را منتشر کرد؛ اما چنین تلقی ایستایی در دنیاى در حال تحول امروز که شهروندان آن به کارآمدی بین فرهنگی نیز نیازمندند، کافی نیست. لذا یک تعریف پویا نیز از سواد فرهنگی ارائه شده است که هم بر مجموعه‌ای از شناخت‌های پایه و اساسی و هم بر کارآمدی‌های موردنیاز

برای تعمیق این شناخت و گردآوری و استفاده از اطلاعات جدید مبتنی است (فرهینی و فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶). در جامعه‌ای چندفرهنگی، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل و مدارای بیشتر، درک و دیالوگ آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی و مذهبی مختلف و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. به‌علاوه اگر بپذیریم که جامعه ایرانی همانند بسیاری از جوامع دیگر به سوی جامعه‌ای مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، در این صورت شهروندان چنین جامعه‌ای به کارآمدی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که آنها خود از طریق فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستنی‌های اساسی خود را عمق بخشند و نسبت به گردآوری و استفاده کارآمد از آنها مبادرت ورزند. بدین ترتیب سواد فرهنگی به کارآمدی‌های ارتباطی نیز اطلاق می‌شود (جعفری و رئیس میرزایی، ۱۳۹۳، ص ۳). به نظر می‌رسد که لازم است برداشت دوم از سواد فرهنگی که جامع‌تر و دقیق‌تر است، سرلوحه کار دست‌اندرکاران قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

در جوامع کنونی، افراد برای برخورد مؤثر با اندیشه‌های جدید، به دانش عمومی وسیع و متنوعی نیاز دارند و قوی‌ترین دانش عمومی، سواد فرهنگی است که برای دستیابی آسان‌تر به اهداف اجتماعی و فرهنگی و نیز برای درک تحلیلی و انتقادی متون لازم و مؤثر است و موجب افزایش آگاهی نسبت به ارزش‌های موجود در زمینه‌های فرهنگی جامعه، افزایش آگاهی نسبت به وجوه اشتراک فرهنگی میان ملت‌ها، ایجاد نگرش مثبت نسبت به برقراری ارتباطات دوسویه میان فرهنگ‌ها و مراکز علمی و درک تفاوت‌ها و شباهت‌ها به منظور تعامل بهتر می‌شود.

سواد فرهنگی مفهومی است که به نظر می‌رسد در سال‌های گذشته کمتر مورد توجه نظام آموزشی و مسئولان فرهنگی کشور قرار گرفته است. با اینکه امریکا در زمره کشورهای است که دارای سابقه تاریخی و فرهنگی درخور ملاحظه‌ای نیست، باین حال در این کشور به این مقوله توجه اساسی شده است. در کشور ما در حوزه فرهنگی کارهای پرشماری انجام شده، اما در این میان به موضوع سواد فرهنگی و تأثیر آن بر عملکرد نظام آموزش و پرورش (باتوجه به قدمت فرهنگی ایران و اهمیت مباحث آموزشی و تربیتی) کمتر پرداخته شده است. با نظر به اختلافات میان طرف‌داران سواد فرهنگی و منتقدان آن، چشم‌اندازهای متفاوتی از چگونگی تولید فرهنگ در جامعه و نقشی که مدارس باید در انتقال فرهنگ ایفا کنند، وجود دارد. طرف‌داران سواد فرهنگی این مسائل مهم را با اعلام چشم‌انداز خود از جامعه، فرهنگ، و مدارس مورد توجه قرار داده‌اند. هرش نکته‌ای معتبر

درباره افراط «فرمالیسم آموزشی» بیان می‌کند. سواد فرهنگی به عنوان یک شعار بسیار موفق است، اما مرجع آن مبهم است. گرچه مباحث هرش حاوی نکات ارزشمندی درباره سواد فرهنگی و اهمیت آن در نظام آموزشی است، لیکن باید یادآور شد که دیدگاه فرهنگی ارائه شده توسط هرش به گونه‌ای است که در آن افراد، به جای خلق فعالانه فرهنگ، منفعلانه دریافتش می‌کنند. بدون شک فرد باید قبل از آنکه قادر به ایجاد محصولاتی باشد که به فرهنگ کمک می‌کنند، محتوای فرهنگی را بیاموزد. مطمئناً آموزش فنون آزاد باید فرد را قادر به نوشتن خوب و تفکر انتقادی و نه فقط تشخیص نام نویسندگان کلاسیک سازد. هیچ چیزی در رویکرد هرش وجود ندارد که بر چنین نقش فعال و مهمی در فراگیران تأکید کند. یادگیری عادی، تحصیلاتی نیست که کارایی لازم را داشته باشد. چنین تلقی ایستایی در دنیای در حال تحول امروز که شهروندان آن به کارآمدی بین فرهنگی نیز نیازمندند کافی نیست. لذا باید تعریف پویاتری نیز از سواد فرهنگی ارائه کرد که هم بر مجموعه‌ای از شناخت‌های پایه و اساسی و هم بر کارآمدی‌های مورد نیاز برای تعمیق این شناخت مبتنی باشد. در یک جامعه چندفرهنگی، سواد فرهنگی به معنای تسامح، تساهل و مدارای بیشتر، درک و دیالوگ آزاد بین هویت‌های اجتماعی، قومی و مذهبی مختلف و احترام به عقاید دیگران و پذیرش تفاوت‌های فرهنگی است. به علاوه اگر بپذیریم که جامعه ایرانی همانند بسیاری از جوامع دیگر به سوی جامعه‌ای مبتنی بر دانایی حرکت می‌کند، در این صورت شهروندان چنین جامعه‌ای به کارآمدی‌های خاصی نیاز خواهند داشت؛ به گونه‌ای که آنها خود از طریق تکنولوژی‌های ارتباطی و اطلاعاتی، دانستنی‌های اساسی خود را عمق بخشند و نسبت به گردآوری و استفاده کارآمد از آنها مبادرت ورزند. شاید یکی از پیامدهای عمده تمرکز بر سواد فرهنگی این است که باید محتوای فرهنگی و علوم انسانی بیشتر نمود داشته باشد و آموزش‌های عمومی فرهنگی بیشتر لحاظ گردد. بی‌سوادی فرهنگی عبارت است از عدم آشنایی با فرهنگ خود. این اغلب زمانی نمود می‌یابد که ضرب‌المثل‌های رایج اشتباه درک می‌شوند یا ارجاع به فرهنگ عامیانه و فولکلور اصلاً درک نمی‌شود. افراد زمانی نسبت به فرهنگ خود بی‌سواد هستند که در محیط فرهنگی خودشان احساس ناراحتی و ناآشنایی کنند. در واقع هدف تربیت، پرورش انسان چندبعدی و نه تک‌بعدی است. یکی از راه‌های تحقق این هدف، سواد فرهنگی است. بنابراین ضروری است که همه اعضای جامعه (اعم از متخصصان و غیرمتخصصان) از سواد فرهنگی برخوردار باشند تا اینکه سواد فرهنگی جایگاه شایسته خود را در جامعه به دست آورد.

سواد فرهنگی عبارت است از شناخت یک فرد نسبت به مؤلفه‌ها و عناصر سواد فرهنگی، مانند پیشینه یا تاریخ جامعه خود و جامعه جهانی، ادبیات، دین و مذهب خود و سایر ملل، مناسبات

اجتماعی و شناخت نشانه‌های فرهنگی و واکنش بایسته و شایسته به آن. برای فردی که سواد فرهنگی دارد، نشانه‌هایی مانند هشدارهای زیست‌محیطی در دل دشت و کوه و جاده‌ها، تنها یک تصویر نمادین خاموش نیست، بلکه هشدار برای تنظیم رفتارهای فرد با محیط است. یکی دیگر از ویژگی‌های سواد فرهنگی، شناخت از فرهنگ دیگری است که روابط فرد را با جهان دیگر یا فرهنگ دیگر سازمان می‌دهد و به او مدارا با فرهنگ‌های دیگر را می‌آموزد. با توجه به اینکه جامعه ما آمیخته‌ای از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌هاست و پایداری چند هزار ساله جامعه ایران در هم‌زیستی این فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها بوده است، توجه به ترویج سواد فرهنگی، ضروری است (فرمبینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۶).

مؤلفه سیاست با کل زندگی انسان‌ها در جامعه سروکار دارد و از تعیین‌کننده‌ترین عوامل زندگی عصر کنونی است. در واقع با تعطیلی سیاست، جامعه دچار بی‌نظمی، آشفتگی و خشونت بیش‌از اندازه می‌شود و همبستگی اجتماعی از میان می‌رود و افراد حتی در تأمین نیازهای اولیه خویش برای بقا دچار مشکلات و بحران‌های مختلف می‌شوند. براین‌اساس در عصر حاضر سیاست عامل بقای اجتماع است. مفهوم سیاست در اندیشه‌های جدید، تدبیر در جهت اداره امور است و سیاست به صورت مستقیم و غیرمستقیم همه انسان‌ها را دربرمی‌گیرد. توجه به مؤلفه سیاست در سواد فرهنگی، افزایش آگاهی‌های سیاسی و احساس مسئولیت افراد در قبال سرنوشت جمعی خود و کشورشان می‌تواند سبب بقای جامعه مطلوب‌شان باشد. اگر چنین آگاهی و مسئولیتی وجود نداشته باشد، جامعه فرومی‌پاشد. در عمل نیز امروزه مؤلفه سیاست به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر وارد زندگی انسان‌ها شده است و به هر سو که نظر می‌اندازیم، چهره‌ای از سیاست رخ می‌نماید. الزامی که ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه، تعیین‌کننده آن است، بسیاری را به این باور رسانده که تعیین مرز دقیق بین مفاهیم باسوادی و بی‌سوادی، امری ناممکن است؛ زیرا مرز مشخصی وجود ندارد که فرد با عبور از آن، از وادی بی‌سوادی به حریم امن سواد قدم گذارد. طیف معنایی سواد، از بی‌سواد مطلق، یعنی وضعیتی که فرد نمی‌تواند بخواند و بنویسد آغاز می‌شود و در درجه‌های بعدی به بی‌سواد عملکردی می‌رسد. در این مرحله، فرد تا حدودی توانایی خواندن و نوشتن دارد، اما این توانایی، در حد برطرف کردن نیازهای روزمره‌اش نیست. پس از این مرحله، طیف معنایی سواد، به باسوادی محدود می‌رسد که در این سطح، فرد می‌تواند تا حد برطرف کردن نیازهایش بخواند و بنویسد، اما توانایی خواندن و نوشتن، پاسخ‌گوی نیازهای معنوی وی نیست. باسوادی، مرحله بعدی طیف معنایی مفهوم سواد است. در این مرحله، فرد می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای مادی و معنوی خویش باشد و توانایی درک آنچه را می‌خواند، دارد. مرحله بعد نیز مرحله شناختی است.

منابع

- افضل طوسی، عفت السادات و نوذری، حسینعلی (۱۳۸۹). تأثیر فرهنگ دیداری بر فرهنگ عمومی در بستر فرآیند جهانی شدن، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۱.
- میرزایینی، محمدرضا، و صفایی، رضا (۱۳۸۸). ارتقای سواد فرهنگی: شالوده توسعه فرهنگی کشور. تهران: اندیشگاه شریف.
- دانای طوسی، مریم، و کیامنش، علیرضا (۱۳۸۸). رویکردهای زیربنای تعریف سواد: شواهدی از برنامه درسی کشورهای امریکا، کانادا، انگلستان، سنگاپور، سنگال، اندونزی و ایران، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، شماره ۳۱، سال هشتم، ۷۵-۱۰۰.
- مخملچی محمد (۱۳۹۳). سواد دانشگاهی به مثابه پارادایم بدیل برای سواد فرهنگی هرش. طرح پروپوزال دکترا. دانشگاه تربیت مدرس.
- جعفری، مصطفی، و رییس میرزایی، نرگس (۱۳۹۳). تأثیر سواد فرهنگی بر توسعه توریسم فرهنگی، مجموعه مقالات دومین همایش ملی مهندسی صنایع و مدیریت پایدار. اصفهان: دانشگاه آزاد اسلامی واحد لنگران. ص ۲ و ۳.
- رومیانی، فاطمه، و ضیائیان، فاطمه (۱۳۹۳). تأثیر سواد فرهنگی بر روی جامعه مبتنی بر دانایی، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روان‌شناسی. مردشت. ص ۱ و ۲.
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۵). اهمیت هنر، گفت‌وگو با اعضای سومین کنگره شعر و ادب دانشجویان سراسر کشور- جهاد دانشگاهی. ۲۷ آذر.
- سرکار آرانی، محمدرضا (۱۳۹۲). فرهنگ آموزش و یادگیری، پژوهشی مردم‌نگارانه با رویکرد تربیتی. تهران: انتشارات مدرسه.
- شورت، ادموند (۱۳۸۸). روش‌شناسی برنامه‌درسی. ترجمه محمود مهر محمدی و همکاران. تهران: سمت.
- فرمهبینی فراهانی، محسن و همکاران (۱۳۹۶). سواد فرهنگی. تهران: انتشارات پارسوا.
- North Central Regional Educational Laboratory (2000). Retrieved on March 3, 2009 from <http://www.engines4ed.org/hyperbook/nodes/educat-or-outline.html#NODE-91>.
- Graff, H. J. (1989). Critical Literacy Versus Cultural Literacy-Reading signs of the times?, The university of Texas at Dallas. Interchnge. vol 20, No 1, pp:46-52
- Hirsch, E. D. (2001). *The New Dictionary Of Cultural Literacy; What Every American Needs to Know*. New York: Houghton Mifflin Company.
- Hirsch, E. D. (1983). Cultural Literacy, *American Scholar*. 52: 159-160.
- Hirsch, E. D. (1987). *Cultural Literacy: What Every American Needs to Know*. New York: Houghton-Mifflin.
- Hirsch, E. D. (1988). *The Dictionary of Cultural Literacy*. New York: Houghton-Mifflin
- Schaefer, R,T (2003). Sociology Matters., *Publisher: McGraw-Hill* Education; 6 edition